

جزوه حقوق مدنی 6

برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید

نمونه متن جزوه:

ارزش ذاتی = واقعی = اصلی - مثل طلا

ارزش اعتباری = نسبی (دولتی) - مثل اسکناس: دولت مثلاً میتواند از فردا اسکناس خاصی را از درجه اعتبار ساقط کند ولی طلا را که نمیتواند.

اموال منقول و غیر منقول:

مقنن در ماده 11 اعلام می دارد اموال بر دو قسم است منقول و غیر منقول. در ماده 12 اموال غیر منقول را تعریف می کند: « مال غیر منقول آنست که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از این که استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان، بنحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود.»

پس ضابطه اصلی قابلیت و امکان حمل و نقل است و در تعریف قانون مدنی منظور از نقل: نقل فیزیکی است یعنی حرکت دادن. مقنن در تقسیم بندی اموال جایی برای نوع بینابین نگذاشته است و همه اموال در این دو قالب جا می گیرند. از میان این دو قالب، قالب اموال منقول است که حقوق دانان قائلند که می توان موارد مشکوک یا اموالی که تعریف مال غیر منقول بر آنها صدق نمی کند را نیز در بر گیرد. در نتیجه به طور تصنعی حقوق مالی نیز بر حسب ماهیت موضوع به منقول و غیر منقول تقسیم می شود. (18،20 ق.م.)

فوائد مترتب بر این تقسیم بندی: علل و اسبابی که باعث این آثار می شوند عبارتند از

1- پیروی مقنن از حقوق اسلامی: این تقسیم در فقه سابقه داشته و در بعضی موارد بر حسب اینکه مال منقول یا غیر منقول باشد احکام آنها متفاوت است.

1- حق شفعه فقط در مورد اموال غیر منقول پذیرفته شده است. در این زمینه ماده 808 ق.م. میگوید: هر گاه مال غیر منقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترك باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد وی به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. دارد.

[حق شفعه: حقی است که قانونگذار برای شریک بیاطلاع قائل شده. مثلاً اگر ملکی مشاع باشد میان دو نفر A و B و اگر A حصه خود را به C بفروشد حق شفعه برای B است که میتواند ثمن مربوطه را به C بدهد و آن را بخر در مورد ارث بردن زن:

2) زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد لیکن زوجه از غیر منقول ارث نمیببرد مگر دو چیز: 1- قیمت آپارتمان 2- قیمت درختان (اشجار).

پس زن نه تنها از زمین و عرصه محروم است بلکه عین ابنیه و اشجار را نیز نمیتواند به عنوان وراثت تملک کند و باید قیمت ثمن یا ربع اعیان و اشجار را از وارثان مطالبه کند. منتها تا زمانی که این قیمت پرداخت نشده زن حق عینی تبعی دارد و بر سایر طلبکاران مقدم است.

[در مورد ارث بردن زن، سنیها برخلاف ما شیعیان بر طبق م [ما ترکتم اعتقاد دارند که قرآن فرق میان منقول و غیر منقول نگذاشته است.]

فلسفه ارث بردن زن به طور مطلق از زمین و عرصه از نظر سید مرتضی علمالهدی در کتاب الانتصار:

وی معتقد است که: هنگام مرگ شوهر و ارث رسیدن خانه او به زوجه، اگر زوجه شوهر دیگری اختیار کند و او را در منزل متوفی سکونت دهد این باعث غیض و حسد میت شده و بر او یعنی متوفی غیر قابل تحمل میآید. به همین دلیل زن نباید ارث ببرد از زمین و عرصه.

مطمئنأ در آن زمان شاید کمتر زنی مالک خانهای بوده ولی آیا خلاف این نمیشود؟ مثلاً مثلاً زنی مالک خانهای باشد و فوت کند و شوهرش زن دیگری اختیار کند و در آن خانه سکنی دهد. آیا این باعث حسد میت (که این بار زن است) نمیشود؟...

2- طبیعت اشیا: بر حسب طبیعت اشیا اموال غیر منقول دارای دو خصیصه ثابت بودن و بر خورداری از هویت فردی می باشند چون مال غیر منقول بر خلاف مال منقول که ثبات طبیعی ندارند و در بیشتر موارد فاقد هویت فردی هستند، علی الاصول یک مقر ثابتی دارند و به آسانی قابل شناسایی می باشند. این تفاوت بین این دو دسته اموال نتایج حقوقی دارد که عبارتند از 1- نقل و انتقال اموال غیر منقول باید با سند رسمی صورت گیرد ولی این در مورد مال منقول ضرورتی ندارد. [یا قیم بی اجازه دادستان اجازه فروش یا رهن مال غیر منقول مولی علیه خود را ندارد.